

سیاست‌های فرهنگی دولت در دهه ۷۰

مصطفی اسدزاده

فرهنگی سیاست‌گذاران و کارگزاران فرهنگی هر دولت و حکومتی متأثر از گفتمان سیاسی حاکم و فرهنگ‌سیاسی غالب است.

یکی از اسنادی که برای دستیابی به سیاست‌های فرهنگی دولت در سینما مورد بحث قرار دادیم جشنواره فیلم فجر بوده که نماد سیاست‌گذاری و جهت‌گیری دولت جمهوری اسلامی در عرصه سینما محسوب می‌شود. ایجاد سینمای ملی متناسب با فرهنگ اسلامی و متأثر از جریان فرهنگی انقلاب، حراست از هویت انقلاب اسلامی و آرمانهای گرانقدر آن از جمله اهداف این جشنواره می‌باشد. این جشنواره با گزینش فیلم‌سازان برتر در هر دوره سرمشق‌های مطلوب سینمای آرمانی را برای فیلم‌سازان و مخاطبان سینما، مردم ترسیم کرده است. جشنواره با گزینش بهترین و برترین‌های سینمای ایران از نگاه سیاستمداران و سیاست‌گذاران فرهنگی و سینمایی سعی کرده به نوعی برای آینده سینمای ایران سیاست‌گذاری کند، سیاست‌گذاری در حوزه سینما در طول دهه ۷۰ نشان می‌دهد که سیاست‌های فرهنگی و سینمایی برخاسته از دو گفتمان سیاسی سنتی و مدرن تدوین شده است.

در واقع سیاست‌گذاران متعلق به این دو گفتمان در زمان خود هر کدام با تکیه بر ارزش‌های موجود

در گفتمان خویش بایدها و نبایدهای سینما را وضع کردند. گفتمان سیاسی حاکم بر سینمای ایران در نیمه اول دهه ۷۰ گفتمانی مبتنی بر پاسداری از ارزش‌های سنتی نظیر: ارزش‌های انقلابی، دینی، اخلاقی و کنترل فرهنگی بوده است. تحلیل محتوای گویه‌های سیاست‌گذاران در نیمه اول دهه ۷۰ نشان می‌دهد که ۱۷/۴۹ درصد گویه‌ها بر ارزش‌های سنتی تأکید داشته‌اند در حالی که ۱۹/۱۹ درصد گویه‌ها بر ارزش‌های دموکراتیک و مدرن و ۶۴/۲۸ درصد گویه‌ها به ارزش‌های انقلابی و دینی و اخلاقی پرداخته‌اند. کنترل فرهنگی و نفی ارزش‌های سیاسی و اجتماعی به عنوان ویژگی گفتمان سنتی

سیاست‌گذار فرهنگی فعالیت داشتند عبارت بودند از حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی، در سال ۷۱-۷۰، دکتر علی لاریجانی ۷۲ تا ۷۱، مهندس میرسلیم ۷۶ تا ۷۲، دکتر مهاجرانی ۷۹ تا ۷۶ و احمد مسجد جامعی ۸۰ تا ۷۹ که در رأس دستگاه سیاست‌گذاری فرهنگی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار داشتند. برای تبیین رابطه فرهنگ و سیاست در پژوهشی که انجام شد از الگوی سیستمی پارسونز استفاده کردیم. براساس این الگو: زیر سیستم فرهنگ، زیر سیستم سیاسی را از



هر چند
سیاست‌گذاران فرهنگی
در نیمه اول دهه ۷۰
بر ارزش‌های انقلابی
سنتی و دینی
تأکید می‌کردند
اما مردم از فیلم‌هایی
استقبال کرده‌اند که
وجه سرگرمی آنها
بیشتر بوده است

مصطفی
اسدزاده :
کارشناس ارشد
معارف اسلامی و
علوم سیاسی

مصطفی

گفتمان سیاسی
حاکم بر سینمای ایران
در نیمه اول
دهه ۷۰ گفتمانی
مبتنی بر پاسداری از
ارزش‌های سنتی نظیر:
ارزش‌های
انقلابی، دینی،
اخلاقی و
کنترل فرهنگی
بوده است

طریق سیاستمداران نهادهای فرهنگی تحت تأثیر قرار می‌دهند. زیر سیستم سیاسی از طریق سیاست‌های فرهنگی، نظارت بر مراجع فرهنگ‌ساز و فرهنگ‌پرور به‌ویژه مطبوعات و رسانه‌ها و بالاخره کالاهای فرهنگی زیر سیستم فرهنگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نتیجه مهم

استفاده از الگوی پارسونز در تحقیق جامعه‌شناسی، تأثیرپذیری سیاست‌گذاری‌های فرهنگی هر نظام سیاسی از فرهنگ سیاسی آن می‌باشد نوع نگرش

جامعه‌شناسی سیاسی سینمای ایران در دهه ۷۰ سؤال اصلی مقاله این است. با گذشت دو دهه از انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی برخورد دو حوزه فرهنگ و سیاست در ایران به ویژه

در زمینه سینما چگونه بوده است؟ به عبارت دیگر بایدها و نبایدهای سیاست‌گذاران فرهنگی و سینمایی دولت در طول دهه ۷۰ به ویژه در دو مقطع قبل و بعد از سال ۱۳۷۶ در عرصه سینما چگونه بوده است؟ تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی و سینمایی دولت در فاصله زمانی دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ در حوزه سینما صورت گرفت. سیاست‌های سینمایی و روش‌های اجرایی تولید، توزیع و پخش فیلم‌های سینمایی، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها و اظهارات سیاست‌گذاران فرهنگی و سینمایی کشور، گزارش سالانه معاونت‌های سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره‌های مختلف دهه ۷۰، بیانیه هیئت داوران جشنواره‌های دولتی فیلم فجر، تحلیل متن فیلم‌های منتخب جشنواره‌های دولتی فیلم فجر در طول دهه ۷۰ و تحلیل متن فیلم‌های مورد اقبال مخاطبان سینمای ایران در طول این دهه به عنوان سندی برای دستیابی به بایدها و نبایدهای سینمای ایران از سوی سیاست‌گذاران فرهنگی تشخیص داده شد. وزرای فرهنگی که در این دهه به عنوان

۶/۳۸ درصد از گویه‌ها را به خودش اختصاص داده است

نمونه‌هایی از بایدها و نبایدهای سیاست‌گذاران ایران در دوران گفتمان سنتی در دهه ۷۰، عبارتند از: توجه به ظهور فرهنگ بیداری در سینما، پرداختن به تاریخ اسلام و سیره نبوی، بازگذاشتن عرصه سینما برای فعالیت افراد حزب‌اللهی، توجه به پیامهای اخلاقی، رعایت حجاب، عفت، پاکی، نجابت، گذشت، ایثار، حماسه، تکریم انسان، توجه به سینمای دفاع مقدس، حفظ شئون اسلامی، پرداختن به جایگاه نماز و رعایت مسائل بهداشتی و ایمنی.

از سال ۷۰ تا ۷۵ عنوان بهترین فیلم‌های جشنواره به فیلم‌هایی تعلق گرفت که بیشتر ارزشهای دینی، انقلابی و اخلاقی را تبلیغ کرده‌اند. فیلم‌های نیاز در سال ۷۰، از کرخه تا این در سال ۷۱، روز واقعه در سال ۷۳، پدر در سال ۷۴، بچه‌های آسمان در سال ۷۵، فیلم‌هایی بودند که ارزشهایی مانند ایثار و فداکاری، عفو و گذشت، پاسداری از هویت، آرمان بسیجی، عشق به خانواده، نماز، شهادت، رازداری، گذشت، کمک به والدین، مبارزه با ستم و... را تبلیغ کرده‌اند.

در سال ۷۲ هیچ فیلمی شایسته عنوان بهترین فیلم شناخته نشد. سیاستهای سینمایی دولت در نیمه اول دهه ۷۰ مخالفت سینماگران منتقد را به دنبال داشت. آنها سیاستهای موجود را مانع بروز خلاقیت و عامل دور ماندن فیلم‌ها از مردم و واقعیت می‌دانستند. بخش دولتی خواسته‌های یکسویه غیرهنری و تبلیغی را اعمال می‌کرد. بخشنامه‌ها سلیقه‌ای، دستوری و سفارشی بود. روابط فیلم‌سازی مشخص نبود. خودسانسوری در فیلم‌ها وجود داشت. مسئولان به سینماگران بی‌اعتماد بودند و از عرضه آزادانه آثار هنرمندان و مخاطبان جلوگیری می‌شد. تحلیل متن نشان داده که هر چند سیاست‌گذاران فرهنگی در نیمه اول دهه ۷۰ بر ارزشهای انقلابی، سنتی و دینی تأکید می‌کردند؛ در مقابل مردم از فیلم‌هایی استقبال کرده‌اند که وجه سرگرمی آنها بیشتر بوده است. فیلم‌های دیگه چه خبر، افعی، کلاه قرمزی و پسرخاله، پرواز از اردوگاه و خواهران غریب بیشتر فروش را داشتند. در نیمه دوم دهه ۷۰ توسعه سیاسی، آزادی بیان و عقیده، مدارا و گفت‌وگو، انتقادپذیری، پرهیز از خشونت، احترام به رأی مردم، جمهوریت، شایسته‌سالاری، خردورزی، رعایت حقوق فردی،



دفاع از حقوق زنان و توجه به جوانان بایدهای سیاست‌گذاران این دوره بوده است.

تأکید بر نقش و رسالت اجتماعی و سیاسی سینما، پرداختن به خواسته‌های مردم در فیلم‌ها، حمایت از فضای باز آزاد، عدم تقسیم سینماگران به خودی و غیرخودی، نمایش فیلم‌های توقیف شده، کاهش دخالت دولت، عدم اعمال نظر فرهنگی، پذیرش خطای فیلم‌سازان، همه از بخشنامه‌ها و سیاست‌های این دوره بوده است. در این دوره ۷۹ درصد گویه‌ها بر ارزشهای مدنی و در مقابل ۸ درصد از گویه‌ها بر ارزشهای انقلابی و دینی تکیه داشتند. تحلیل متن فیلم‌ها در این دوره به ما نشان می‌دهد سینمایی در انی دوره مورد حمایت قرار گرفته است که بیشتر ارزشهای مورد نظر سیاست‌گذاران را در نیمه دوم دهه ۷۰ ترویج می‌کرد. فیلم‌هایی مثل اژانس شیشه‌ای در سال ۷۶ به عنوان بهترین فیلم جشنواره فجر انتخاب شد.

تحلیل متن فیلم‌هایی که مورد استقبال مردم قرار گرفته نشان می‌دهد فیلم‌هایی مورد پذیرش واقع می‌شد که به ارزش‌های وضع شده توسط سیاست‌گذاران نزدیک بود. فیلم پارتی در سال ۸۰ پرفروش‌ترین فیلم شناخته شد. در چنین شرایطی مخالفان؛ فضای کشور را مسموم خواندند و گفتند کارها در دست کسانی است که هدایت جامعه را در

نظر ندارند و ارزشهای رسمی کشور را به سخره گرفته‌اند. جهت‌گیری‌های سیاسی سینمایی به سوی بی‌فرهنگی و غربزدگی است. گرایش به مثبت‌ها و طرح ارزشها در سینما بنیان‌گذاری نشد، سیاست‌گذاران؛ سینما را به سمت آرمان‌های انقلاب و شهدا سوق نمی‌دادند. نتیجه تحلیل این بود که هر دو گفتمان سنتی و دموکراتیک در تدوین سیاست‌های فرهنگی و سینمایی خودشان بخشی از خواسته‌های مردم و مطالبات جامعه ایران را در سیاست‌های خود مورد توجه قرار دادند.

در نیمه اول دهه ۷۰ ارزش‌های انقلابی، دینی و اخلاقی بیشتر مورد توجه بود. در نیمه دوم ارزش‌های سیاسی، اجتماعی بیشتر مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است و این تقابل و ستیز دو گفتمان در دهه ۷۰ ادامه داشت.